فهرست مطالب

[موضوع: فقه / اجتهاد و تقلید /مسأله تقلید (شرایط مجتهد- شرط عدالت) 2](#_Toc531782338)

[اشاره 2](#_Toc531782339)

[حقیقت یا مجاز بودن معنی جدید 2](#_Toc531782340)

[تطور واژگانی از لحاظ معنایی 2](#_Toc531782341)

[طبعیت زبان شرع از قوانین کلی زبان بشر 3](#_Toc531782342)

[وضع تعیینی یا تعینی معانی جدید در عرف‌های خاص 4](#_Toc531782343)

[حقیقت شرعیه 4](#_Toc531782344)

[تفاوت قرآن و روایات در نحوه تطور معانی 5](#_Toc531782345)

[نظریه تفصیل بین مجاز و حقیقت شرعیه 5](#_Toc531782346)

[نظریه مختار: قول به تفصیل 6](#_Toc531782347)

[نقش شبکه معنایی در شکل‌دهی معنای جدید 6](#_Toc531782348)

[جمع‌بندی 7](#_Toc531782349)

بسم الله الرحمن الرحیم

# موضوع: فقه / اجتهاد و تقلید /مسأله تقلید (شرایط مجتهد- شرط عدالت)

## اشاره

دومین دلیلی که برای دخالت ملکه در تعریف عدالت مطرح شد عبارت بود از اینکه عدالت یک حقیقت شرعیه‌ای پیداکرده است و مفهوم ویژه‌ای پیداکرده است که فراتر از لغت است و تأکید بر این مسئله که مفهوم عدالت یک معنای نو و جدید در آیات و روایات و فضای شرع پیداکرده است. این دلیل دوم بود.

در توضیح مقدماتی و کبروی این دلیل عرض کردیم که برخی از واژه‌ها است که در لسان شرع به معنای خاصه به‌کاررفته است و بعدازاینکه استعمال جدید بعضی از واژه‌ها در معانی جدید در خیلی از موارد مفروض است در تحلیل آن دو نظریه است یک نظریه این است که این استعمال به نحو مجاز است و یک نظریه این است که این استعمال به نحو حقیقت است. بسیاری از واژگان هست که در زبان عربی یک معنای عامی داشته و در فضای آیات و روایات در محدوده خاص‌تری به‌کاررفته است. اینکه حقیقت شرعیه و معنای جدید یا استعمال جدید در معنا و مستعمل‌فیه متباین با آن معنای اول باشد این مصداق زیادی ندارد، غالباً بار معنایی جدیدی که واژه‌ها در فضای قرآن و روایات پیدا می‌کنند نسبتشان با معنای قبلی عام و خاص مطلق و گاهی من وجه است؛ یعنی اشتراک یا استعمال مجازی که این معنا با معنای اصلی لغوی رابطه عام و خاص مطلق یا من وجه دارد.

## حقیقت یا مجاز بودن معنی جدید

این استعمال در یک معنای جدیدی که رابطه‌اش با معنای قبل من وجه است یا مطلق است و احیاناً متباین است اصلش مفروض است انما الکلام در این است که این استعمال به نحو مجاز است یا به نحو حقیقت است. اگر قائل بشویم به نحو حقیقت است این را حقیقت شرعیه می‌گویند و از این واژه‌ها زیاد داریم. از واژه‌های اولیه اعتقادی بگیرید تا واژه‌های اخلاقی و فقهی که در نظر بگیرید ما شاهد این تحول معنایی هستیم. هم در اصول اعتقادی مانند ایمان و اسلام و معاد و جنت و جهنم و ... در حوزه‌های اخلاقی مانند محسنین، صادقین و ... در حوزه‌های فقهی و فرعی مانند صلاة و صوم، حج و زکات و ... که ما شاهد یک تطور ادبیات عرب و واژگان عرب هستیم.

## تطور واژگانی از لحاظ معنایی

برخی از محققین مستشرق روی این کارکرده‌اند ازجمله جناب ایزوتسو[[1]](#footnote-1) که چند کتاب در این زمینه دارد. اصل این پدیده چیز واضحی است که غیر از حقیقت شرعیه است یعنی ما در فضای آیات و روایات شاهد تطور واژگانی از لحاظ معنایی هستیم و این واژگان که معنایی در لغت عرب قبل از نزول قرآن داشته در فضای جدید به‌کاررفته ولی با تغییرات وسیع با بار معنایی وسیع و گسترده، حداقل می‌توان گفت که هزار واژه در قرآن داریم که دچار این تطور شده است و اگر به روایات برویم این حجم بیشتر هم خواهد شد. اتقا و متقی قبل از قرآن معنای دیگری داشته است که در قرآن معنای دیگری پیداکرده است صوم و صلاة هم این چنین است.

اگر ما بخواهیم از فضای آیات و روایات شرع هم بیرون برویم در فضاهای غیر شرع هم که عرف‌های خاص شکل گرفته است که آن عرف خاص از غنای مفهومی برخوردار باشد عملاً در آن عرف خاص واژگانی زیادی دچار تطور معنایی می‌شوند. واژه‌ها یک‌ بار معنایی جدیدی پیدا می‌کنند. عرف‌های خاص مثل متکلمین ریاضی‌دانان و فیزیک‌دانان و ... که وقتی به این عرف‌ها وارد بشوید خواهید دید که واژگانی که معانی متعددی در لغت داشتند در این عرف خاص معنای جدیدی پیداکرده است که نسبتش با معنای قبل یا تباین است یا عموم و خصوص مطلق یا من وجه است. البته در هر عرفی بخش زیادی از واژه‌ها هم در همان معنای لغوی به کار می‌رود، اینکه می‌گوییم واژگان زیادی دچار تطور می‌شوند این فی حد نفسه است وگرنه اگر مقایسه بشود با واژگانی که به همان معانی لغوی به کار می‌روند آمارش بالا نمی‌رود برای اینکه کسی که صحبت می‌کند اصل این است که بر ریل همان زبان و لغت و ادبیات دارد، حرکت می‌کند.

آنچه عرض کردیم این است که علیرغم اینکه بخش عمده‌ای از واژگانی که به کار می‌رود در ادبیات همه عرف‌های خاص همان معانی لغوی است اما معانی جدید هم کم نیست. اصل این است که هر گویش‌گری در زبان مطابق عرف عام و لغت عام آن زبان سخن می‌گوید و بر همان ریل حرکت می‌کند در کاربرد واژها اما در عرف‌های خاص مثل عرف‌های تخصصی و دینی و مکتبی و ... در همه شاهد نوع دوم از واژه‌ها هستیم که یک‌ بار متفاوتی از لغت دارند که متباینش کم است اما من وجه و مطلقش زیاد است.

## طبیعت زبان شرع از قوانین کلی زبان بشر

این قانون کلی که بر زبان بشر حاکم است و در عرف‌های خاص جاری است در زبان شرع هم جریان دارد و واژگانی در شریعت از آن معنای لغوی در این عرف خاص فاصله گرفته است و در عرصه‌های ویژه‌ای استعمال شده است.

سؤال: واژگانی که در قرآن استعمال می‌شود قبلاً در تورات و انجیل و ... استفاده‌شده است ...

جواب: ممکن است برخی آن‌گونه باشد و برخی آن‌چنان نباشد تحقیق گسترده‌ای صورت نپذیرفته است که گفته شود تمامشان به چه نحو هستند.

در ملل و عرف‌های خاص و حتی در نحل هم همین‌گونه است در عرفان‌های کاذب و غیره نیز می‌بینیم که واژگان خاص خودشان را دارند. مکاتب فلسفی و حتی متفکران و صاحب‌نظران و ... مثل شهید مطهری و شریعتی و امام (ره) می‌بینیم که برای خودشان حتی ادبیات خاص دارند یا حتی انقلاب اسلامی که برای خودش گفتمان خاصی تولید کرده است؛ مانند بسیج که در دهه‌های 50 از این معانی خبری نبود بااینکه لغت بوده است اما این معانی را نداشته است.

## وضع تعیینی یا تعینی معانی جدید در عرف‌های خاص

هر انقلابی و هر تحولی و هر ایده‌ای و هر مکتبی و هر مذهبی در هر زبانی دو تا قاعده دارد یکی اینکه اصل این است که گویش‌گر آن، بنیان‌گذار آن، بر طبق همان اساس لغتی گویش می‌کنند که در آن عصر است و دیگر واژگانی که معانی جدید پیداکرده است. خلق واژه هم هست یعنی واژه‌ای تازه خلق می‌شود جدید است و تا حال نبوده است. واژگان مخففی که ابتدا مخفف است بعدها خودش معنا پیدا می‌کند یا همان معنا که در مجاز به‌کاررفته بعدها معنای جدید شده است. در عرف‌های خاص اصل این است که طبق لغت پیش بروند منتها کم نداریم که در عرف‌های خاص واژگان در معانی جدیدی به کار می‌روند. این تطورات جدید را گاهی از ابتدا جعل می‌کنند به نحو وضع تعیینی که می‌گوید من در این نوشته‌ها و گفتارم وقتی این کلمه را می‌گویم این معنی را قصد می‌کنم بعضاً هم با وضع تعینی این اتفاق می‌افتد. گاهی هم این معنای قبلی را متارکه می‌کند و گاهی نیز در ادبیات او مشترک لفظی شده است گاهی هم متارکه کرده و به معنای جدید منتقل‌شده است. اصل این بحث قابل این است که چندین رساله سنگین درباره‌اش نوشته شود.

## حقیقت شرعیه

این نکاتی بود که در این قصه عرض کردیم. در عرف‌های خاص وصف‌های جدید و... منتها نکته‌ای در اینجا وجود دارد این است که در مثل قرآن و روایات و ... بسیاری از موارد که لفظ در معنای جدیدی استعمال شده است سؤال اساسی که خودش را نشان می‌دهد این است که می‌بینیم که این‌ها وضع تعیینی ندارند و وضع تعینی دارند و با یک قرائنی در این معانی به‌کاررفته‌اند سخن بر سر این است که این معانی جدید مستعمل‌فیه علی نحو مجاز است که با یک قرینه‌ای اسلام که معنای کلی داشته است در معنای جدید به‌کاربرده است. جنت که معنای کلی داشته در معنای خاص به‌کاربرده است معاد و صلاة و ... نیز همین‌طور است. این درست است که در عصر متشرعه به خاطر استعمالات زیاد این‌ها حقیقت متشرعه می‌شود ولی در عصر نزول و صدور این‌ها بار معنایی جدیدی که در این الفاظ پیداشده است به نحو حقیقت است یعنی وضع‌شده است ولو به نحو تعینی و تشخص پیداکرده است و یا اینکه خداوند در قرآن و پیامبر و ائمه در سخنانشان با قرینه ‌این‌ها را به‌کاربرده‌اند. این آن جمله و سخن اصلی است که در حقیقت شرعیه مطرح است. کسی اگر بگوید این واژه‌ها معنای جدیدشان به نحو حقیقت است دیگر آن‌وقت بی‌قرینه هم اگر تردید داشتیم می‌گویم معانی جدید است ولی اگر گفتیم به نحو مجاز است آن‌وقت جایی که قرینه نداریم می‌گوییم که به معنای لغوی‌اش است. محسن و اتقا و صلی که گفته‌شده است اگر قرینه داشته باشیم که مجاز است اگر قرینه نداشته باشیم حمل بر معنای اصلی می‌کنیم.

این همان بحث حقیقت شرعیه است. پدیده کاربست واژه‌های متعدد در عرف‌های خاص مثل شرع در معانی جدید که داریم آیا به نحو حقیقت است یا مجاز؟ اگر به مجاز باشد در مواردی که شک داشته باشیم که آن است یا این می‌گوییم به معنای لغوی است اما اگر به نحو حقیقت باشد این حقیقت شرعیه مقدم بر آن معنای لغوی است و با یک إن قلتی که در فرض دومش هست. لذا اگر کسانی حقیقت شرعیه را قبول ندارند معنایش این نیست که آن پدیده‌ای را که ما گفتیم قبول ندارند آن پدیده که ما گفتیم این بود که در هر عرف خاص مثل شرع واژه‌ها بارهای جدید و مستعمل‌فیه‌های جدید پیدا می‌کنند اما اینکه این استعمال علی نحوالحقیقت است یا مجاز این محل بحث است، وگرنه کسانی که حقیقت شرعیه را قبول ندارند نمی‌گویند که همه لغات به همان معانی قدیمی به کار می‌روند بلکه می‌گویند در این موارد عرف خاص معنای مجازی است که با قرینه به‌کاررفته است. این را می‌گویند منتها ثمره این دو قول در آن موارد نادری پیدا می‌شود که لفظ به‌کاررفته است و نمی‌دانیم که آن است یا این. قول به حقیقت شرعیه و عدم قول به حقیقت شرعیه در اینجا به کار می‌آید.

تصور نکنیم که کسی که حقیقت شرعیه را قبول ندارد کلماتی مانند متقین و محسن و صلاة و صوم و زکات را می‌گوید در معنای لغوی به‌کاررفته است این چنین نیست. او هم می‌گوید در معنای جدید به‌کاررفته است منتها می‌گوید به نحو مجاز بوده و رفته‌رفته در اعصار متأخر این معنا حقیقت شده است والا در متن قرآنی یا در مواردی در روایات در همان معنای مجازی بوده بعد در لسان متشرعه و فقها حقیقت شده است؛ اما آنی که به حقیقت شرعیه قائل است می‌گوید در زمان صدور و در متون این‌ها معانی جدید به نحو موضوع له پیداکرده است.

## تفاوت قرآن و روایات در نحوه تطور معانی

بحث قرآن و روایات یک تفاوتی هم دارد برای اینکه اصل نزول قرآن 23 سال طول کشیده و اصل واژگانی که در آن به‌کاررفته ممکن است کسی در آن قائل بشود که استعمال بسیاری از واژه‌ها در قرآن در معانی جدید به نحو مجاز است با قرائن بوده است که به‌کاررفته است اما در عصر متأخر که عصر ائمه باشد این‌ها بار معانی جدیدش به‌قدری قوی شده است که نیاز به قرینه ندارد و بدون قرینه معنا پیدا می‌کند و به شکل تعینی وضع جدید پیداکرده است.

## نظریه تفصیل بین مجاز و حقیقت شرعیه

 این حالت میانه را هم کم نداریم این‌گونه نیست که بگوییم در میان این مجموعه هزار واژه اعتقادی، اخلاقی و فقهی که دچار این تطور معنایی شده است در لسان شرع مجاز هستند در معانی جدید که نفی حقیقت شرعیه است یا نه این‌ها معنای جدید شرعی و حقیقت شرعیه پیداکرده‌اند که نظریه دوم باشد و یا حالت میانه‌ای داشته باشیم مخصوصاً روی چیزی که امامیه قائل‌اند که عصر ائمه هم‌عصر تشریع است و تکمیل تشریع است ممکن است کسانی تفصیل قائل بشوند و بگویند یک واژه‌هایی داریم که در آن عصر قرانی و نص قرآنی به نحو مجاز به‌کاررفته ولی در عصر امامت این‌ها معنای حقیقی شده است؛ که تفصیل در بحث می‌شود که نه قائل به این هستیم که همه این‌ها مجاز هستند و نه اینکه بگوییم همه این‌ها حقیقت شرعیه است بلکه قائل به‌تفصیل می‌شویم.

در این مجموعه واژگانی که به معانی جدید به‌کاررفته است می‌توان گفت همه حقیقت شرعیه یا همه معانی مجازی و یا قائل به‌تفصیل شد که جابجا فرق می‌کند. نظریه سوم می‌گوید فرق می‌کند دارای طیف وسیعی است می‌شود گفت که در خود قرآن هم ابتدا وقتی کلمه متقی در آیات مکی با یک قرینه‌ای معنای جدید به آن می‌دهد معنای مجازی است اما آنجایی که می‌گوید: **﴿هُديً لِلْمُتَّقينَ \* الَّذينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَ ...﴾**[[2]](#footnote-2) سوره بقره یا مائده که اواخر عصر حضرت بودند در این موارد معانی جدید پیداکرده‌اند و حقیقت شده‌اند پس در خود قرآن هم می‌شود گفت که اعصارش فرق می‌کند تا چه برسد به اینکه روایات ائمه را مخصوصاً عصر صادقین را بخواهیم بگوییم که خیلی فرق می‌کند مثل بینه که در قرآن به همان معنای عادی یا شبه عادی به‌کاررفته است ولی در عصر صادقین خیلی به ذهن می‌آید که بینه معنای جدید پیداکرده و وضع هم بوده است.

## نظریه مختار: قول به تفصیل

به نظر می‌آید که در بحث حقیقت شرعیه قول صحیح قول به‌تفصیل باشد یعنی ما نمی‌توانیم به همین نحو بگوییم که واژه‌هایی که بار جدیدی پیداکرده است بعدازاینکه یقین داریم که بار جدیدی پیداکرده است نمی‌دانیم که علی نحو المجاز و القرینه است یا به نحو حقیقت است نمی‌توانیم به نحو مطلق بگوییم این‌ها حقیقت یا مجاز است این‌ها متفاوت است ممکن است که تحت تأثیر عوامل متعدد یک واژه را بگوییم از اوایل نزول قرآن معنای جدید شده است و یک واژه را می‌توانیم بگوییم که در عصر مکی این واژه مجاز به کار می‌رفته است در عصر مدنی حقیقت شده است. یک واژه‌ای می‌توانیم بگوییم که در کل قرآن به نحو مجاز است ولی در لسان ائمه طبقه اول و ادوار اول حقیقت شده است یک واژه‌ای در طبقات بعدی تا عصر غیبت صغری حقیقت شده است واژگانی هم هست که در لسان متشرعه در ادوار بعد حقیقت شده است. به لحاظ منطقی به نظر می‌آید که این نظریه تفصیل درست باشد و این تحت تأثیر این است که این واژه چقدر به‌کاررفته است. یکی از چیزهایی که موجب این می‌شود که معنا از مجاز به حقیقت عبور بکند کثرت استعمال است لفظی که زیاد استعمال می‌شود به‌زودی معنای جدید پیدا می‌کند مثل کلمه ایمان در قرآن در چند آیه اول که می‌آید مجاز بوده و قرینه می‌خواسته ولی به خاطر اینکه ایمان یک واژه محوری در منظومه فکری اسلام هست و کثرت استعمال دارد به‌سرعت متحول شده و از معنای لغوی نقل پیداکرده و حقیقت شرعیه در آن پیداشده است. این‌ها عوامل مختلف است مثل کثرت استعمال، اهمیت آن واژه مثل واژه اسلام و کفر و ایمان و کفر و ... که کلیدی هستند و ممکن است عوامل دیگری هم باشد مثل‌اینکه کثرت استعمال در خود نص باشد یک بحث است یا اهمیت آن واژه باشد یا کثرت ابتلا و ازاین‌گونه عوامل یا سابقه‌ای در شرایع سابق داشته و ذهن‌ها مأنوس بوده است که آن پشتوانه این تحول معنایی می‌شود.

## نقش شبکه معنایی در شکل‌دهی معنای جدید

این بحث دیروز و امروز ما کل قصه درواقع یک تصویر کلانی از این بحث شد و عرض کردم که آن شبکه معنایی را هم که آقای ایزوتسو و غیره گفته‌اند بی‌ارتباط با این بحث نیست. یکی از عواملی که در شکل‌دهی معنایی جدید نقش دارد آن شبکه معنایی است که این‌ها خودشان همدیگر را در یک شبکه تکمیل می‌کنند و یک‌بار جدید پیدا می‌کند. بحث‌هایی است که د ر ادبیات است و زبان‌شناسی و لغت‌شناسی انجام‌شده است.

سؤال: اصل عقلایی عند الشک هم داریم بین معنای حقیقی و مجازی؟

جواب: بله اصالة الحقیقه را داریم.

سؤال: اگر مراد را بدانیم و بین معنای مجازی و حقیقت شرعیه شک کنیم چطور؟

جواب: آن اصالة الحقیقه در اینجا که کیفیت اراده است جاری نمی‌شود اما یک اصل عقلائی داریم که می‌گوید از معنای مجازی به معنای حقیقی منتقل نشده است.

## جمع‌بندی

آنچه ما در این دو جلسه عرض کردیم در واقع خواستیم یک بحث زبان‌شناسی که به نحوی در اصول ما هم در ادوار قبل موردتوجه بوده و بعدها هم خیلی در این لغت‌شناسی‌ها و علم اللغة موردتوجه است به ترتیبی بوده است که عرض کردیم. ما در همه زبان‌ها و در همه ادوار موارد زیر را داریم:

1. ما عرف عام داریم و اعراف خاصه داریم.

2. عرف‌های خاص بخشی از واژه‌ها را به معانی جدید به کار می‌برند.

3. این معانی جدید نسبتشان با معانی پیشین یا عام و خاص مطلق یا عام و خاص من وجه و یا تباین است؛ که غالباً آن دو قسم اول است.

4. در تحلیل اینکه این کاربست به نحو حقیقت است یا مجاز است سه نظر می‌تواند باشد: یکی اینکه این‌ها به نحو مجاز هستند، دوم به نحو حقیقت هستند سوم اینکه متناسب با شرایط متفاوت‌اند. در اینکه معنای جدید به‌کاررفته است و تحول معنایی شده و حقیقت شده یا به نحو مجاز است. این متفاوت است هم به لحاظ طول زمان هم به لحاظ اصل قصه که اصلاً معنای جدید پیداکرده و یا همان جور مجاز است و اگر هم به معنای حقیقت شده است کی و چگونه؟

1. . تُوشی‌هیکو ایزُوتسُو (Toshihiko Izutsu)، زبان‌شناس، فیلسوف و قرآن‌پژوه ژاپنی، متولد چهارم مه سال ۱۹۱۴ م در توکیو. او پس از طی مراحل اولیه تحصیل، وارد دانشگاه کیو ژاپن شد و به مطالعه فلسفه و زبان‌شناسی پرداخت. ایزوتسو در سال ۱۹۳۷ م از این دانشگاه در رشته ادبیات و فلسفه زبان، مدرک فوق‌لیسانس و در سال ۱۹۴۰ م، مدرک دکتری خود را دریافت کرد. او را کارشناس مکاتب فلسفی از جمله صوفیه، هندوئیسم، بودیسم و تائویسم که مسلط به بیش از سی زبان زنده دنیا از جمله عربی، فارسی، سانسکریت، روسی و غیره بوده معرفی کردند. مهدی محقق برای او آثار بسیاری در حوزه عرفان و فلسفه اسلامی شمرده است. ایزوتسو، در ۱۷ دی ۱۳۷۱ ش در ۷۹ سالگی در شهر کاماکورای ژاپن درگذشت. (ویکی شیعه، دانشنامه آزاد مکتب اهل‌بیت) [↑](#footnote-ref-1)
2. . سوره بقره، آیه 2 و 3. [↑](#footnote-ref-2)